

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۰

هزار و سیصد و هشتاد و پنج - نیمسال دوم

مقالات

- عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران: از ارجاع تا تحریم
- جنایت ژنوسید در پرتو رویه قضائی محاکم کیفری بین‌المللی
- وقف سهام شرکتهای: امکان حقوقی و ضرورت اجتماعی
- آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر
- قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران
- صلاحیتها و مجازاتها در دادگاه عالی کیفری عراق: از تأسیس دادگاه تا اعدام صدام

موضوع ویژه: حقوق مالیاتی در ایران و کشورهای دیگر

- مالیات بر ارزش افزوده و عدالت مالیاتی
- پیشگیری از مالیات مضاعف در حقوق مالیاتی ایران
- آئین دادرسی مالیاتی در ایران
- مقررات مالیاتی در معاهده منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن
- مبارزه کیفری با تقلب مالیاتی در حقوق فرانسه

نقد و معرفی

- رأی دیوانعالی کشور در مورد درخواست طلاق زوجه به علت ازدواج مجدد شوهر
- قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت در خصوص سی و سه روز جنگ حزب‌الله و اسرائیل





آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر

طیبه اسدی*

چکیده: آزادی بیان یک حق بنیادین بشری است که با رشد و پیشرفت جامعه و تعالی انسان در ارتباط است. اما حقی است که در زمره حقوق انتخابی قرار دارد و علاوه بر این یک حق اجتماعی است. لذا بر مبنای همین خصایص، اجرای آن با حدود و ثغوری مواجه است که رعایت حقوق دیگران، منع توهین به حیثیت و آبروی افراد و یا نظم عمومی و... از جمله آنهاست. باید اضافه شود که این حق مدنی و سیاسی با مفاهیم و آرمانهای دیگری همچون صلح و امنیت، بردباری و ممنوعیت تبعیض نژادی هم ارتباط پیدا می‌کند. بررسی حق بر آزادی بیان به بهانه اقدام روزنامه دانمارکی در چاپ کاریکاتورهای توهین آمیز به پیامبر اسلام (ص) در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵، همچنین نمایش فیلم ویدئویی کاریکاتورها در تلویزیون دانمارک در اکتبر ۲۰۰۶ از زوایای مختلف حقوق بشر می‌تواند بخشی از شرایط و حد و مرزهای اعمال این حق را بیان کند. ضمن اینکه نقطه نظرات دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در بررسی پرونده‌های ارجاع شده ذیل ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد استناد قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، آزادی بیان، نظم عمومی، پیامبر اسلام (ص)، دیوان اروپایی حقوق بشر، سازمان کنفرانس اسلامی.

* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

مقدمه

در ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۰۵ روزنامه دانمارکی یولاند پوستن ۱۲ کاریکاتور توهین آمیز درباره پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) منتشر کرد که در آنها اهانت آشکاری نسبت به دین اسلام و پیامبر اکرم صورت گرفته بود. در این کاریکاتورها چهره حضرت محمد به گونه‌ای تحقیر آمیز ترسیم شده بود. تصاویر فوق اشارات ضمنی به تروریست بودن مسلمانان را در خود داشت. پس از چاپ کاریکاتورهای فوق، انتشار این تصاویر موجی از خشم و نفرت را در میان مسلمانان در سراسر جهان اسلام به وجود آورد. تظاهرات گسترده‌ای علیه این اقدام صورت گرفت و سازمانها و نهادهای بین‌المللی، گروهها، سازمانهای غیردولتی و افراد نسبت به این اقدام واکنش نشان دادند. اعتراض کنندگان خواستار اقدام دولت دانمارک برای جلوگیری از چاپ کاریکاتورها و مجازات تصویر کنندگان آن بودند. در اغلب نقاط دنیا اعتراضها منجر به آشوب و تشنج و حمله به دفاتر سفارتخانه‌های دانمارک و تخریب اموال آنها گردید.^۱ اما علیرغم اعتراض گروههای مسلمان تصاویر فوق در داخل دانمارک و خارج از آن، توسط چند روزنامه و نشریه دیگر در سراسر اروپا از جمله آلمان، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و سوئیس با ادعای حمایت از آزادی بیان تکثیر و چاپ شد.

چاپ دوباره این تصاویر و شدت یافتن اعتراضها، سازمان کنفرانس اسلامی را واداشت تا بیانیه‌ای در این زمینه صادر کند و در آن تأکید نماید که آزادی بیان نباید توهین به ادیان الهی و آموزه‌های دینی را به دنبال داشته باشد.^۲ دبیرکل سابق سازمان ملل (کوفی عنان) نیز نگرانی خود را از این اقدام ابراز کرد و اظهار داشت: آزادی مطبوعات باید به نحوی اعمال شود که به اعتقادات دینی و اصول مسلم تمامی ادیان احترام بگذارد. در پی افزایش موج اعتراضات سردبیر روزنامه یولاند پوستن عذرخواهی کرد. در عین اینکه حق

^۱ <http://www.hrw.org/English/dose/2006/o2/15/denmar1267.htm>.

^۲ سازمان کنفرانس اسلامی در اعلامیه ۵ اکتبر ۲۰۰۵ خود اروپا را به تلاش جهت به رسمیت شناختن دیگران و تنوع فرهنگی و گفتگوی تمدنها فراخواند.

http://www.oic-oci.org/press/english/2005/5_October_2005/eu-sg.htm

آزادی بیان در انتشار این تصاویر را مورد دفاع قرار داد.^۳

همزمان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با برگزاری یک نشست فوری یک پیشنهاد ۵ ماده‌ای را به مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا (خاویر سولانا) ارائه دادند که در آنها تصویب قانونی توسط پارلمان اتحادیه اروپا علیه پدیده‌های ضد اسلامی در غرب و تلاش برای صدور یک قطعنامه از سوی سازمان ملل متحد جهت ممنوعیت اهانت به ادیان درج شده بود.^۴

پارلمان اروپا هم با صدور بیانیه‌ای علیه این اقدام اعلام کرد: آزادی بیان باید در چارچوب مرزهایی که قانون وضع می‌کند با مسؤولیت شناسی و احترام به حقوق بشر و احساسات و باورهای مذهبی همراه باشد. سپس در پیش نویس قطعنامه‌ای که ۷ گروه سیاسی در پارلمان اروپا به تصویب رساند خواسته شد تا از افراط در آزادی بیان که منجر به جریحه‌دار شدن احساسات دینی و یا ترویج اظهارات نژادپرستانه که باعث بیگانه‌سختی می‌گردد^۵، جلوگیری شود. جالب اینکه علیرغم اعتراضهای وسیع به چاپ این کاریکاتورها، فیلم ویدئویی این تصاویر موهن نیز دوباره در اکتبر سال ۲۰۰۶ از تلویزیون دانمارک پخش شد. ارتکاب این عمل و موج اعتراضهای صورت گرفته در واکنش به این اقدام^۶ باعث شد تا بار دیگر نسبت به محدوده اعمال حق بر آزادی بیان، بحث، گفتگو و مجادله صورت گیرد.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اظهار می‌دارد: هر کس حق بر آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات

^۳ Jilandsposten: Honorabel citizens of the Muslim World (Statement of 30 January 2005).

^۴ همچنین در این بیانیه بر ایجاد یک نظم نوین رسانه‌ای توسط سازمان ملل متحد با تعریف آزادی بیان با در نظر گرفتن سمبولهای مذهبی تأکید شد. (بند ۴)، جده ۱۳ فوریه ۲۰۰۶: <http://www.oic-oci.org>

^۵ available at <http://www.europa.eu.int>

^۶ به علاوه کمیسر عالی کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل متحد (خانم لوئیز آربور) نیز طی نامه‌ای کتبی به سازمان کنفرانس اسلامی، اعتراض خود را نسبت به چاپ این کاریکاتورها اعلام کرد و کپی این نامه به گزارشگران سازمان ملل در مورد آزادی مذهب و نژادپرستی ارسال شد.

مرزی آزاد باشد. درج این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر در واقع نشان دهنده اهمیت آن در جامعه بشری بویژه در رشد و اعتلای فرهنگی، فکری و عقیدتی و به علاوه ارتباط لاینفک آن با ذات تعالی جوی موجود انسانی است. در سایر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر نیز به انحاء مختلف بر حمایت و حفاظت از این حق صحنه گذارده شده است. اما آیا این حق و اجرای آن می‌تواند مستمسک توهین به عقاید، آراء و مقدسات دیگر افراد باشد؟

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد بحث در مورد اعمال و اجرای آزادی بیان به عنوان یکی از مصادیق حقوق و آزادیهای اساسی افراد است و تلاش شده تا به این سؤال پاسخ داده شود که محدوده اعمال این حق تا کجاست و حدود و ثغور آن به عنوان یک حق بشری بویژه هنگامیکه در تعارض با حقوق و آزادیهای دیگران، عقاید و منافع آنها قرار می‌گیرد چگونه تعیین می‌شود؟ آیا صحبت از یک حق بشری که اساس یک زندگی مطلوب و باعث رشد اجتماعی است به این معناست که هیچ استثناء و محدودیتی بر آن حق وارد نمی‌شود؟ و یا یک مسؤولیت خاص برای اعمال هرگونه محدودیتی بر آن به وجود می‌آید؟

از سوی دیگر آیا با توجه به هدف غایی اجرا و حمایت استانداردهای حقوق بشر که ترویج روحیه احترام به حقوق و آزادیهای افراد و برقراری صلح و امنیت است، سوء استفاده از این حق نمی‌تواند در استحکام پایه‌های این اهداف که در بدو امر در منشور ملل متحد پایه‌ریزی شده، تزلزل ایجاد نماید؟ برای پاسخگویی به سؤالاتی از این قبیل تلاش شده تا در چارچوب مفاهیم و آرمانهایی مانند آزادی، صلح و دموکراسی همچنین مباحثی مانند مسؤولیت و تعهد به عنوان روی دیگر سکه حقوق بشر بحث شود. اهمیت پرداختن به موضوع هنگامی بیشتر می‌شود که دریابیم، فهم ماهیت یک حق به تعبیر «جروم شستاک» می‌تواند به روشن شدن، درجه‌بندی حمایت یا ماهیت استثناءها و کنار نهادن یا تفوق برخی حقوق کمک کند.^۷

⁷ Jeromy Shestak, "The Philosophic Foundation of Human Rights", *Human Rights Quarterly*, 20, 1998, pp. 70-71.

به علاوه از آن جا که بهترین روش تضمین یک حق تضمینات قضائی است که همراه با آن حق ایجاد می‌شود^۸، آراء دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد دامنه و حدود این حق و امکان تقابل آن با نظم و امنیت عمومی، اخلاقیات و حقوق سایر افراد در بخش نهایی مورد اشاره قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت آراء و تفاسیر دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یک مکانیسم اجرایی و نظارتی بر کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد (۱۹۵۰) به نظر می‌رسد آراء و نظرات دیوان در مورد آزادی بیان می‌تواند تا حدی ابعاد دقیق حقوق بشری چاپ این کاریکاتورها را روشن سازد. ضمن اینکه نگرش اروپایی به حق آزادی بیان را انعکاس می‌دهد و درستی یا نادرستی حمایت لاینقطع از اقدام روزنامه دانمارکی را نیز تا حدودی بیان می‌کند.

۱- ماهیت و دامنه آزادی بیان

الف - درآمدی بر آزادی بیان

آزادی یکی از مفاهیم بسیار کهن و ریشه‌دار در تاریخ فلسفه، علوم سیاسی و حقوق است. در حوزه فلسفه آزادی با ماهیت و هویت فرد انسانی و جهان پیرامون آن در ارتباط است. در علوم سیاسی آزادی با قدرت، قانون، حکومت و حاکمیت پیوند می‌خورد و در حقوق، آزادی زیربنای استقلال فردی، خودفرمانروایی و اعمال قدرت در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

در قرن هجدهم ژان ژاک روسو اظهار داشت: انسان آزاد است؛ حتی اگر در بند و زنجیر باشد. این اظهار نظر بعدها در اعلامیه مشهور حقوق بشر و شهروند فرانسه در ۶ اوت سال ۱۷۸۹ در ماده ۱ با این مضمون درج شد که: افراد آزادند، آزاد باقی می‌مانند و در حقوق برابرند. تمایزهای اجتماعی میان آنها تنها بر مبنای منافع اجتماعی می‌تواند اعمال

^۸ آنتونیو کاسسه، *حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، دفتر خدمات حقوقی

بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۶۷.

شود.^۹

سپس جان لاک فیلسوف بزرگ انگلیسی نیز در باب آزادی اظهار داشت: آدمی به صورت کامل آفریده شده و تن و جان او کامل است و می‌تواند اعمال خود را طبق قانون عقل که خداوند در او نهاده است، کامل کند.^{۱۰}

جان رالز متفکر عصر حاضر هم دو مفهوم مثبت و منفی از آزادی را برداشت کرده است. مفهوم منفی آزادی یعنی انسان تا آنجا آزاد است که دیگری دخالتی در کار او نداشته باشد.^{۱۱} در حالیکه معنای مثبت آزادی از تمایل فرد به اینکه آقا و صاحب اختیار خود باشد، بر می‌خیزد. در این نگرش آزادی به معنای صاحب اختیار و ارباب خود بودن است.^{۱۲}

هابز در کتاب گفتگو درباره حقوق عرفی می‌نویسد: حق آزادی است که قانون به من داده است و در فصل ۴ کتاب لویاتان می‌افزاید: حق در برگیرنده آزادی انجام یا عدم انجام یک عمل است.^{۱۳}

به تعبیر جرمی والدرون هم آزادی فرد در سطحی عمیقتر با حق گره خورده است. رهبری زندگی بر اساس نظرات و خواسته‌های خود صرفاً به این معنا نیست که فرد زنده باشد، بلکه به معنای هدایت و رهبری یک زندگی است و بر فاعلیت و حسن مسؤلیت فردی دلالت دارد.^{۱۴}

اما هنگامی آزادی با حقوق، قوانین و قانونگذاری ارتباط پیدا می‌کند که بحث تنظیم

^۹ Thomas David Jons, *Human Rights: Group of Defamation, Freedom of Expression and the Law of the Nations*, The Hague, Martinus Nijhoff, 1998, p. 34.

^{۱۰} سیدمحمد هاشمی، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۵.

^{۱۱} آیزایا برلین، *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمد علی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸، تهران، ص ۲۳۷.

^{۱۲} همان، ص ۲۵۰.

^{۱۳} محمد راسخ، «فلسفه حق و ارزش» در: محمد راسخ، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق*، تهران، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵.

^{۱۴} همان، ص ۱۷۹.

روابط میان فرد و اجتماع به میان آید. در این صورت آزادی با محدودیتهایی روبرو خواهد شد. لاک، منتسکیو، کانت و دیگر فلاسفه هم بارها در باب آزادی، نظرات و آراء خود را بیان کرده‌اند. اما ضمن اینکه به تقدس آن پرداخته‌اند، قیدها، شروط و محدودیتهایی را نیز بر آن وارد کرده‌اند. کانت فیلسوف بزرگ آلمانی با عشق تمام به آزادی اظهار می‌دارد: انسان تا آنجا آزاد است که در جان، مال و آزادی دیگران دخالت نکند.^{۱۵} لاک نیز در ارتباط آزادی با قانون می‌گوید: غایت قانون از بین بردن یا تحدید آزادی نیست بلکه محافظت و توسعه آن است؛ و در جای دیگر می‌افزاید: آزادی آن نیست که هرکس به‌طور افسار گسیخته هرچه دلخواهش است، عمل کند. آزادی معقول آن است که شخص به اراده خویش شخصیت و اعمال، کردار و مایملک خود را در محدوده مقررات تحت نظم و قاعده در آورد.^{۱۶}

بنابراین آزادی در اجتماعی ظهور می‌یابد که در آن مرزهای آزادی مشخص باشد و هیچکس حق نداشته باشد که از آن مرزها تجاوز کند. این مرزها باید مورد قبول همه افراد باشند تا رعایت و احترام به آنها که تحقق آزادیهای فردی را به دنبال خواهد داشت، تضمین گردد.^{۱۷}

از سوی دیگر آزادی به عنوان یک آرمان متعالی یا به تعبیر کانت «غایت انسان» همواره با مضامینی مانند عدالت، سعادت، امنیت و برابری همراه بوده و هست، مفاهیمی که داری ارزش اخلاقی در هر جامعه‌ای هستند و دستیابی به آنها گاه مستلزم محدود کردن خود آزادی است. بنابراین اعمال آزادی همراه با محدودیتهایی است که نه تنها محدودکننده آن نیست بلکه زمینه‌ای را برای تحقق آزادی فراهم می‌سازد.

^{۱۵} سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۶۱.

^{۱۶} همان، ص ۵۶.

^{۱۷} آیزایا برلین، پیشین، ص ۲۹۴.

ب - آزادی بیان یک حق اجتماعی

آزادی بیان مصداق روشنی از آزادی به مفهوم اعم است، چرا که ربط وثیقی با رشد و خودشکوفایی فرد، تعامل وی با اجتماع و امکان برقراری ارتباط و همزیستی با افراد جامعه دارد. ارسطو باور داشت که آزادی انسان مبتنی بر توانایی فرد برای انتخاب در اعمال اراده آزاد خود است. به زعم وی عدم توافق، تجربه و بحث آزاد امکان تحقق حقیقت و فضیلت را افزایش می‌دهد و مبادله آزاد عقاید و آزادی عمل یا انتخاب مکانیزم‌های خلق و ایجاد یک جامعه دموکراتیک است.^{۱۸} پس از آن منتسکیو در کتاب روح القوانین خود اظهار داشت: قانون نباید افراد را به علت فاش کردن افکارشان مجازات کند. به تعبیر وی هر فکری باید با عمل همراه شود تا قابل مجازات باشد. در واقع اهمیت آزادی بیان از همان ابتدا به عنوان مصداق روشنی از آزادی و یکی از روشهای پیشرفت یک اجتماع، بارز و آشکار بوده است.

اما در میان انواع مختلف تقسیم‌بندیها، این حق علیرغم اینکه یکی از مهمترین حقوق و آزادیهای فردی است، یک حق اجتماعی نیز هست.^{۱۹} حقی که تنها در مناسبات با دیگر افراد و جامعه قابل اعمال است و به معنای خاص حق مربوط به ارتباط و مرادوه است. خاصیت این حق با سایر حقوق اجتماعی نظیر آن در این است که در ذات خود یک محدودیت دارد. اینکه اعمال این حق نباید دیگران را از حقوق شان محروم سازد یا به اصطلاح کانت همزمان با حقوق دیگران وجود داشته باشد.^{۲۰} بنابراین هنگامیکه بپذیریم انسان علاوه بر آزادی و استقلال فردی موجودی اجتماعی نیز هست، طبیعی است که اعمال و حرکات و رفتارهای فرد در مقابل امنیت و آسایش دیگران با موانع اجتماعی روبرو شود. به نحوی که چاره‌ای جز رعایت آنها نداشته باشد. چرا که انسان جزء تابعی از جامعه است. علاوه بر این به تعبیر برخی دیگر آزادی بیان در زمره حقوق انتخابی قرار

^{۱۸} Thomas David Jones, *op. cit.*, p. 36.

^{۱۹} فرانتس نویمان، *آزادی و قدرت و قانون*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول،

۱۳۷۳، ص ۹۱.

^{۲۰} محمد راسخ، *پیشین*، ص ۱۵۳.

دارد، حقوقی که با انتخاب، آزادی و حاکمیت فرد بر سرنوشت خویش در ارتباط است. به تعبیر مارتین پی. گلدینگ حق انتخابی به حوزه‌ای از آزادی مربوط می‌شود که در بردارنده اعمالی است که موضوع انتخاب و گزینش فرد صاحب حق می‌باشد. در این حوزه فرد یک نوع حاکم است و می‌تواند هر گونه بپسندد عمل کند. البته حاکمیت فرد در همین حوزه هم ممکن است محدود گردد. یکی دیگر از ویژگیهای حقوق انتخابی این است که نه تنها آزادی شخص به کنترل اعمال خود را در بر دارد بلکه متضمن حدی از کنترل مستقیم یا غیرمستقیم دیگران نیز می‌باشد.

به‌طور کلی آزادی بیان مصداق روشنی از مفهوم عام آزادی است که مورد حمایت همه حقوقدانان، فلاسفه و متفکرین قرار گرفته است، اما از آن دست آزادیهایی است که با قید و بندهایی مشروط شده است.

به‌طور مثال ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ بر مفهوم آزادی بیان که به تفصیل توسط منتسکیو و بسیاری از اسلاف وی طرح شده بود، تأکید می‌کند. طبق این اعلامیه مبادله آزاد عقاید و نظرات یکی از حقوق بسیار مهم انسان است. لذا همه شهروندان می‌توانند سخن بگویند، بنویسند و آزادانه منتشر کنند؛ اما مسئولیت هر فرد برای سوء استفاده از این حق که در قانون درج شده، مفروض است.^{۲۱}

آزادی بیان یکی از حقوق مهم در هم تنیده با ذات و هویت انسانی و رشد و پیشرفت اجتماعی و یک حق به رسمیت شناخته شده برای آحاد افراد انسانی است اما تابع محدودیتها و شرایطی است که رعایت آنها در واقع ناشی از الزامات یک زندگی اجتماعی است و ضرورت ایجاد تعدیل و هماهنگی میان این حقوق و سایر حقوق فردی و اجتماعی می‌باشد. این محدودیتها و حد و مرزها نه تنها در همه اسناد بین‌المللی حقوق بشری و اسناد منطقه‌ای بلکه در قوانین داخلی همه کشورهای آزاد با توجه به منافع عمومی، احترام به حقوق دیگر افراد و یا مفاهیمی نظیر آن تعیین شده است.

²¹ Thomas David Jones, *op. cit.*, p. 34.

۲- حدود و ثغور آزادی بیان به عنوان یک حق بشری در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

سیری در اسناد حقوق بشری نشان می‌دهد که علیرغم دیرینه بودن حمایت از حق بر آزادی بیان، این حق خصیصه نامحدود بودن را در خود ندارد. چرا که همانند برخی از حقوق بشر با ماهیت قطعی، بنیادین و غیرقابل انحراف همچون حق بر حیات، آزادی داشتن یا تغییر مذهب، عقیده و ایمان یا موارد مشابه دیگر، همواره و به‌طور لاینقطع حمایت از آن صورت نگرفته است. لذا نمی‌توان از نامحدود بودن آن در هر شرایطی سخن گفت.

به‌طور مثال ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تعلیق برخی از حقوق و آزادیهای فردی را در هنگام بروز یک خطر عمومی و استثنائی که موجودیت ملت را تهدید می‌کند، اجازه داده است. بنابراین کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌توانند تحت شرایطی تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق را به میزانی که وضعیت ایجاب می‌کند، اتخاذ نمایند. سپس در بند ۲ همین ماده به حقوقی مانند حق بر حیات، ممنوعیت شکنجه، منع بازداشت به علت عدم توانایی در اجرای یک تعهد قراردادی، و غیره اشاره شده است که در هیچ شرایطی قابل تعلیق یا انحراف نیستند. اما آزادی بیان در زمره این حقوق قرار ندارد. بنابراین یک حق قطعی و غیرقابل تعلیق نیست و می‌تواند مشمول برخی از محدودیتها قرار گیرد.

همچنین اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در ماده ۱۹ به بیان این حق پرداخته است بدون اینکه قید و شرطی را بر آن وارد سازد اما مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ که برگردان اصول عام اعلامیه جهانی است، به‌طور دقیقتر به حمایت از حق بر آزادی بیان پرداخته است و حدود و شروطی را در زمینه اجرای آن ذکر کرده است. طبق این ماده هرکس حق بر آزادی بیان دارد. سپس در بند ۲ ذکر شده که: آزادی بیان، آزادی تفحص، تحصیل یا اشاعه اطلاعات از هر قبیل بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت مکتوب یا چاپی یا به صورت هنری و یا با هر وسیله دیگر به انتخاب خود فرد را در بر می‌گیرد. به علاوه عبارت پردازی بند ۳ به گونه‌ای است که بر اساس آن آزادی بیان از شمول حقوق بنیادین و غیرقابل انحراف (مندرج در ماده ۴ همین میثاق) خارج شده است. طبق این بند اعمال و اجرای آزادی بیان مستلزم حقوق و

مسئولیت‌های خاص است و از همین رو ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای تحقق امور ذیل ضرورت دارد:

الف - احترام به حقوق و حیثیت دیگران

ب - حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت و یا اخلاق عمومی^{۲۲}

بند ۱ ماده ۲۰ نیز هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون را ممنوع گردانیده است و در بند ۲ همین ماده هرگونه دعوت، ترغیب به کینه (تفر) ملی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع شده است. نظیر این عبارت پردازی در ماده ۵ کنوانسیون ممنوعیت تبعیض نژادی^{۲۳}، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^{۲۴}، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد^{۲۵} و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها نیز آمده است.

در میان اسناد منطقه‌ای در مورد حقوق بشر، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۱۹۵۰ در بند ۱ با تأکید بر این حق و ذکر مصادیق آن از جمله دریافت و انتشار اطلاعات در بند ۲ می‌افزاید: اجرای آزادی بیان از آن جایی که با وظایف و مسئولیت‌هایی همراه است، می‌تواند مشمول برخی محدودیت‌ها، شرایط یا مجازات‌هایی قرار بگیرد که قانوناً معین شده و در یک جامعه دموکراتیک ضروری است. از سوی دیگر در جهت تأمین منافع امنیت ملی، یکپارچگی سرزمینی، سلامت عمومی، جلوگیری از بی‌نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت یا اخلاق، حمایت از حقوق سایر افراد، جلوگیری از بسته شدن راه ورود اطلاعات یا حفظ اقتدار و بیطرفی قضات باشد.

یک سند بسیار مهم در مورد حق بر آزادی بیان اعلامیه اصول بنیادین نقش رسانه‌های عمومی برای تقویت صلح، فهم و ترویج حقوق بشر و مقابله با نژادپرستی، آپارتاید و

^{۲۲} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶.

^{۲۳} کنوانسیون بین‌المللی ممنوعیت تبعیض نژادی، مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

^{۲۴} American Convention on Human Rights, July 18, 1978, Article 13.

^{۲۵} European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1950, Article, 10.

تحریک جنگ است.^{۲۶} این اعلامیه در کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس و در سال ۱۹۸۷ در اجلاس بیستم آن به تصویب رسید. موضوع کنفرانس فوق رسانه‌های عمومی و جریان آزاد اطلاعات و هدف کنفرانس در واقع ایجاد یک نظم نوین آزادی اطلاعات بود. علاوه بر این اعلامیه، اعلامیه منع نژادپرستی و تنفر نژادی هم به تصویب رسید که در جای خود قابل بحث می‌باشد.^{۲۷} در اعلامیه اصول بنیادین نقش رسانه‌های عمومی در تقویت صلح، فهم و ترویج حقوق بشر و نژادپرستی بر مفهوم آزادی بیان، حق دریافت و انتقال آزاد اطلاعات بدون ملاحظه مرزها و یا موانع ملی تأکید شد؛ اگرچه هدف اعلامیه افزایش جریان آزاد اطلاعات و عقاید است که به سبب آن فهم بهتری در میان ملت‌های جهان به وجود می‌آید. با اینحال اعلامیه به‌طور خاص بر یک هدف اساسی دیگر که مقابله با نژادپرستی، آپارتاید و تبلیغ برای جنگ است نیز تأکید می‌کند.

در واقع اعلامیه فوق ارزش و نیروی نهفته در ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که اهانت گروهی، نفرت مذهبی، نژادی، یا ملی را منع می‌کند مورد توجه قرار داده است. همچنین این سند به ماده ۵ کنوانسیون منع تبعیض نژادی اشاره شده است. این ماده چنین جرائم خطرناک و سازمان دهندگان آن را محکوم می‌کند. به علاوه اعلامیه دوم همین کنفرانس یعنی اعلامیه ۱۹۷۸ یونسکو را در مورد تعصب نژادی و نژادپرستی را جامعترین سند بین‌المللی در ارتباط با حمایت از هویت گروهی می‌داند.

مجموعه اصول ژوهانسبورگ در مورد امنیت ملی، آزادی بیان و دستیابی به اطلاعات نیز یک سند قابل توجه دیگر است که در مورد ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در اول اکتبر ۱۹۹۵ توسط جمعی از کارشناسان و متخصصان حقوق بین‌الملل با هدف تقویت چارچوبهای قانونی نهادین و رویه‌ای آزادی بیان در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی تصویب شد. در اصل ۶ این مجموعه اصول، مصادیق بیاناتی که تهدید کننده امنیت ملی است

²⁶ The Declaration of Fundamental Rights Contribution of the Mass Media to Strengthening Peace and Understanding, The Promotion of Human Rights and Countering Racialism and Incitement to WAR (Mass Media Declaration), UNESCO Doc. 1978.

²⁷ Mohamed Elewa Bade, "Basic Principles Governing Limitations on Individual Rights and Freedoms in Human Rights Instruments", *International Journal of Human Rights*, vol. 7, no. 4, Winter 2003, p. 64.

شمرده شده که شامل موارد زیر است:

- بیانی که با انگیزه ایجاد خشونت گسترده همراه باشد.
- بیانی که احتمالاً منجر به وقوع چنین خشونتی شود.
- یک ارتباط مستقیم و فوری میان اظهار بیان و وقوع این خشونت وجود داشته باشد.^{۲۸}

ناگفته نماند که ترس و نگرانی ناشی از سوء استفاده دولتها از مداخله در این حق به بهانه‌ها و دستاویزهای گوناگون باعث شده است در مورد اعمال محدودیت بر حق آزادی بیان شرایط و مقررات دقیق و دشواری تحمیل شود. تقریباً کلیه مقررات فوق شامل ۳ عنصر مهم برای اعمال محدودیت‌اند. یعنی اعمال محدودیتها بر حق آزادی بیان همواره باید ۳ شرط اساسی را دارا باشد: اول اینکه قانونی باشد (اصل مشروعیت). چنانکه کمیته حقوق بشر سازمان ملل در هنگام اظهار نظر در مورد ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر عنوان کرد: محدودیت‌های مقرر شده در قانون باید مطابق با اصول منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و موافق با سایر حقوق تنظیم شده در میثاق باشد.^{۲۹} لازم به ذکر است که به طور کلی حاکمیت قانون یک مفهوم اساسی در اسناد حقوق بشری بین‌المللی است که طبق آن مداخله در حقوق حمایت شده توسط این اسناد مجاز نیست مگر اینکه مبنایی قانونی داشته باشد.

دوم: اهداف مشروع مانند امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت عمومی جامعه را دنبال کند و سوم: اعمال این محدودیتها باید در همه شرایط در یک جامعه دموکراتیک لازم باشد. در واقع مقررات محدودکننده باید متضمن مفهوم تناسب باشند.^{۳۰}

به علاوه کمیته حقوق بشر در اظهار نظر دیگری گفته است که در تنظیم قوانین محدودکننده حقوق و آزادیها، باید با اصولی راهنمایی شوند که طبق آن محدودیتها نباید اساس حق را زیر سؤال ببرد. ارتباط میان حق و مسئولیت، و قاعده و استثناء نباید از نظر

²⁸ The Johansbourg Principles on National Security, Freedom of Expression and Access to Information, Article 199, London, November 1995.

²⁹ E/CN.4/SR.106/P54(F) and E/CN.4/SR.150/para.65.

³⁰ *Ibid*, p. 84.

دور نگهداشته شود.^{۳۱}

یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی مشروعیت و قانونی بودن محدودیتهای وارد بر اسناد حقوق بشری اصل تناسب است، اصلی که در حوزه آزادی بیان نیز کاربرد دارد. طبق این اصل هرگونه محدودیتی باید به طور مضیق با نیاز به دستیابی به منافع عالی تر تناسب داشته باشد. لذا قانونی که در این زمینه مخالف حقوق بین الملل یا اصول کلی حقوقی باشد ممکن است قانونی باشد اما مشروع نخواهد بود. بنابراین اصل تناسب در همه موارد فوق الذکر باید مورد احترام باشد.

۳- آزادی بیان، حق و مسؤولیت

در کلیه اسناد حقوق بشری بین المللی و اصولاً در همه اسناد متضمن حقوق و آزادیهای فردی مانند قوانین اساسی کشورها روی دیگر سکه حق و آزادی، وظیفه یا تعهد یا مسؤولیت است. این تأکید در واقع به هدف اولیه تنظیم روابط میان افراد در یک اجتماع عمومی باز می گردد. به طور کلی وظیفه، تعهد یا مسؤولیت انسانی در روبه‌ها و تئوری‌های حقوقی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است.

اگرچه به لحاظ معنایی میان اصطلاحات وظیفه، تعهد یا مسؤولیت تفاوت بسیار زیادی نهفته است مانند اینکه وظیفه بیشتر دارای الزام اخلاقی است تا حقوقی و قانونی، و مسؤولیت متضمن معیار قابل ملاحظه‌ای از اقتدار قانونی است، اما معمولاً در کاربرد روزانه این لغات خلط معنا به وجود آمده است و گاه هر سه لغت متضمن ایده اجبار حقوقی و قانونی هستند. در هر حال وظیفه، تعهد یا مسؤولیت در قبال استفاده از آزادی و دامنه اختیار قانونی و حقوقی فرد یا افراد ارتباط بسیار نزدیکی با عضویت جمعی در یک جامعه بزرگتر دارد.^{۳۲}

ارتباط فرد با یک جامعه بزرگتر، ملت، تاریخ، زبان، ادبیات، عرف و سنت یک امر

³¹ GC 27 (12) para. 13, Adopted by the HRC in its 67th Session 1999.

³² Ben Saul, "In the Shadow of Human Rights, Human Rights Duties, Obligations and Responsibilities", *Columbia Human Rights Law Review*, 2001, p. 581.

انکارناشدنی است و آزادی فردی تنها در یک جامعه عادلانه و نظم یافته محقق می‌شود، جایی که حقوق و مسؤولیتهای افراد و موازنه میان آنها همزمان مورد توجه باشند. از سوی دیگر تکمیل تعهدات و مسؤولیتهای فردی اغلب خود زمینه‌ای را برای تحقق آزادی فراهم می‌آورد که قالبهای تعامل انسانی را محقق می‌سازد.

تقریباً از همان ابتدای آغاز جنبش حقوق بشر، در کنار حمایت و حفاظت از حقوق و آزادیهای فردی، بحثها، گفتگوها و تلاشهایی برای تأکید بر مسؤولیت نیز در گرفت که هدف همه آنها دستیابی به یک مفهوم مشترک از ایجاد تعادل مناسب میان حقوق بشر، آزادیهای فردی، نظم عمومی، خیر و مصلحت کلی اجتماع، صلح و همبستگی بود.^{۳۳} اگرچه باز هم در این حوزه از مسؤولیت، بیشترین تأکید بر مسؤولیت دولت به عنوان تضمین‌کننده اصلی حقوق و نهاد رسمی ناظر بر اجرای حقوق و آزادیهای فردی است اما در طول سالهای متمادی اهمیت زیست مشترک و جمعی آحاد بشر و دستیابی به ارزشهای زیربنایی مندرج در همه اسناد که از منشور ملل متحد و مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آغاز شده، افراد را نیز به تدریج در این محدوده وارد نموده است.

در هر صورت حق یک امتیاز حقوقی است که یک وظیفه برابر با آن یا عدم امتیاز را در خود دارد به عنوان مثال حق بر بیان آزاد متضمن وظیفه دولت یا افراد بر عدم مداخله در حقوق دیگران و یا احترام به حیثیت آنها می‌باشد. به دلیل اینکه اگر وظیفه لازم و ملزوم یک حق در نظر گرفته نشود، حق نیز هیچ معنایی نخواهد داشت. در حقیقت صفت لازم و ملزوم بودن حق و وظیفه یا مسؤولیت که Correlative خوانده می‌شود ابزاری برای تحقق آزادی است، خصیصه‌ای که حتی در مورد حقوق جمعی مانند صلح و امنیت که به تعبیری منافع افراد ناشی از عضویت در یک جامعه بزرگتر است^{۳۴} نیز صدق می‌کند.

بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر را می‌توان به نوعی نقطه ثقل این تفکر در اسناد حقوق بشری و تلاشهای صورت گرفته برای تأکید بر مسؤولیت انسانی دانست. این بند اشاره می‌کند که هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود فقط تابع

³³ *Ibid.*, pp. 574-577.

³⁴ *Op. cit.*, p. 581.

محدودیت‌هایی است که توسط قانون و منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است و بند ۳ می‌افزاید: این حقوق و آزادیها در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف اصول و مقاصد ملل متحد اجرا شود.

تاکنون تلاش‌های مستمری برای تأکید بر مسؤولیت انسانی علاوه بر دولت در رعایت حقوق بشر در سالیان اخیر صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به اعلامیه «به سوی اخلاق جهانی» اشاره کرد که در سال ۱۹۹۳ توسط پارلمان مذاهب جهانی تنظیم شد.^{۳۵} در این اعلامیه ارزش‌های مشترک در میان مذاهب جهانی بر اساس یک قاعده طلایی مورد تأکید قرار گرفت و این قاعده مبنای انجام تکالیف و مسؤولیتهای بشری شناخته شد: آنچه را دوست نداری دیگران نسبت به تو انجام دهند تو نیز انجام نده.

به علاوه کمیسیون سازمان ملل در مورد حاکمیت جهانی نیز در گزارش سال ۱۹۹۵ خود تعیین تعهدات اساسی بشری را مورد توجه قرار داد. در این گزارش با عنوان «همسایگی جهانی ما» جامعه بین‌المللی به حمایت از اخلاق جهانی، حقوق و مسؤولیتهای مشترک فراخوانده شد.^{۳۶} شورای عمل متقابل نیز که یک سازمان غیردولتی است در همین سال گزارشی با عنوان در جستجوی اخلاق جهانی منتشر کرد که ایده اخلاق جهانی در قالب تنظیم پیش‌نویس یک اعلامیه گنج‌نیده شد. پیش‌نویس این اعلامیه به یونسکو و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برای اعلام نظر و در صورت امکان تنظیم یک قطعنامه از سوی مجمع عمومی ارائه گردید. این اعلامیه شامل ۱۹ ماده بود که در واقع انعکاس دهنده حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر تلقی می‌شد. سپس اعلامیه وظایف و مسؤولیتهای انسانی توسط یونسکو در سال ۱۹۹۷ تنظیم شد. اعلامیه فوق تلاش کرد تا میان آزادی و مسؤولیت با تشویق افراد و دولتها به محدود کردن اجرای حقوق خود بویژه

^{۳۵} این پارلمان متشکل از نمایندگان مذاهب اسلام، مسیحیت، یهود، بودایی و سایر مذاهب به رسمیت شناخته

شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر نک: CPWRt: <http://www.cpwr.org>

^{۳۶} U.N.Commission on Global Governance Our Global Neighborhood: The Report of the Commission on Global Governance, <http://www.cgg.ch>

هنگامیکه اعمال آن به دیگران از جمله نسلهای آینده آسیب می‌رساند، تعادل ایجاد کند. در مقدمه اعلامیه ذکر شده است که پافشاری بیش از حد بر حقوق می‌تواند منجر به تعارض، تفرقه و اختلاف بی‌حد و حصر شود.^{۳۷}

در سال ۱۹۹۹ کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه‌ای از کمیسیون فرعی ممنوعیت تبعیض و حمایت از اقلیتها خواست تا در مورد این پیش‌نویس مطالعه بیشتری به عمل آورد^{۳۸} و در سال ۲۰۰۰ دوباره درخواست کرد تا نتایج مطالعه خود را در اجلاس پنجاه و هفتم ارائه دهد و در اجلاس پنجاه و هشتم کامل کند. این قطعنامه یادآوری کرد که مسؤولیتهای انسان بخش لاینفکی از فرایند مذاکرات منتهی به تنظیم اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده اما مورد غفلت قرار گرفته است. حقوق بشر ارتباط تنگاتنگی با مسؤولیتهای انسانی دارد که مبنای آن کرامت انسانی است. همچنین قطعنامه بر نیاز فوری و ضروری برای عینیت بخشیدن به مسؤولیتهای خاص تعریف شده در اسناد بین‌المللی تأکید کرد.^{۳۹}

با اینکه این قطعنامه مورد توجه زیادی واقع نشد و تنها با ۲۲ رأی موافق در برابر ۲۱ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به تصویب رسید اما از بحث مسؤولیت بشری مندرج در آن می‌توان در حیطه آزادی بیان سود جست. بویژه اینکه هم‌اکنون در حوزه‌هایی مانند اقتصاد یا محیط زیست، مسؤولیت نه تنها دامنگیر دولتها شده، که به‌طور فزاینده‌ای گروهها، شرکتهای سازمانهای غیردولتی، مأموران دولت و احزاب سیاسی را هم در بر می‌گیرد. به‌طور مثال در ژانویه سال ۱۹۹۹ مجمع عمومی رهبران تجاری جهان را برای طرح یک پیمان جهانی حاوی ارزشها و اصول مشترک جهت وجهه انسانی بخشیدن به بازار جهانی فراخواند.^{۴۰}

همچنین در اعلامیه استکهلم مصوب کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست اظهار شده که حق بر محیط زیست با مسؤولیت خطیر افراد برای حمایت و بهبود محیط

³⁷ Intern- Action Council: <http://www.Asiawide.org.jp>

³⁸ Ben Saul, *op. cit.*, p. 574.

³⁹ UN ESCOR, 55th Sess, U.N Doc. E/CN.4/1999/L.85.

⁴⁰ Human Rights and Human Responsibilities, UN commission on Human Rights 59th Sess. UN Doc., E/CN.4/Res/2000/ 63/

زیست بین‌المللی برای حضور نسل‌های کنونی و آینده همراه است.^{۴۱} یکی از اسنادی که در آن مسئولیت ناشی از اجرای حق بر آزادی بیان را می‌توان یافت قطعنامه ۱۹۹۹/۳۶ کمیسیون حقوق بشر است هنگامی که اعلام می‌کند: با یادآوری میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اجرای حق بر آزادی بیان وظایف و مسئولیتهای خاصی را در بر دارد و موضوع محدودیتهایی قرار می‌گیرد، محدودیتهایی که باید قانونی باشد. در این قطعنامه همچنین بر اصول ژوهانسبورگ در مورد امنیت ملی، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات تنظیم شده در آفریقای جنوبی در اول اکتبر ۱۹۹۵ اشاره شده است. در قطعنامه‌های ۲۰۰۰/۳۸، ۱۹۹۹/۶۰ در مورد اطلاعات عمومی و ۱۹۹۴/۶۴ در زمینه آموزش حقوق بشر هم نظیر این عبارت‌پردازیها تکرار شده است.

لذا آزادی بیان هم در حوزه رعایت حقوق دیگران و هم در قلمرو گسترده‌تر تحقق اهداف و اصول ملل متحد همچون صلح و امنیت نمی‌تواند ابزاری برای نقض حقوق افراد قرار بگیرد. بنابراین استناد به این حق و تلاش برای اجرای آن تنها تا جایی امکانپذیر است که با منافع عمومی، حقوق و حیثیت دیگران و یا دیگر موارد در تضاد و تعارض نباشد. ضمن اینکه افراد مسئولیت احترام به اصول و مقاصد ملل متحد و تلاش برای رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی را دارند.

در تأیید این نکته می‌توان یادآوری نمود که علاوه بر بند ۲ و ۳ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه اعلامیه هم آمده است: آزادی، عدالت و صلح با شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنها همراه است. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر، توسعه روابط دوستانه در میان ملل و کمک به پیشرفت اجتماعی از جمله دیگر اهداف مهم اعلامیه جهانی و منشور ملل متحد است.

بنابراین اعمال و اجرای حق بر آزادی بیان به‌طور نامحدود می‌تواند زمینه‌ای برای تهدید و یا تزلزل پایه‌های هر کدام از این اهداف باشد. مسلماً برقراری صلح در فضایی

⁴¹ Office of the UN High Commissioner for the Human Rights, Business and Human Rights; A Progress Report, [http://www.unhcr.ch/bussines.htm\(200\)](http://www.unhcr.ch/bussines.htm(200))

امکان‌پذیر است که با بردباری، گفتگوی مسالمت‌آمیز و تحمل همراه باشد. احترام به سایر فرهنگها، مذاهب، نژادهای انسانی و سایر موارد متمایزکننده جامعه بشری توسعه روابط ملی و بین‌المللی و آرامش را محقق می‌سازد. تحقق این اهداف با وجود احساس مسؤولیت فردی و جمعی امکان‌پذیر خواهد بود.

۴- آزادی بیان، ممنوعیت نژادپرستی و ترویج بردباری

در سال ۱۹۶۵ اعلامیه اصول بین‌المللی همکاری فرهنگی اعلام داشت که: هر فرهنگی احترام و ارزشی دارد که باید محترم شمرده شود و حفظ گردد و تمامی مردم حق و وظیفه دارند تا فرهنگ خود را توسعه دهند و در نوع غنی و متنوع آنها و در اثرات دوطرفه‌ای که بر هم می‌گذارند تمامی فرهنگها جزئی از میراث مشترک بشریت را تشکیل می‌دهند. احترام به فرهنگهای مختلف و افراد و گروههای انسانی متعلق به آنها در واقع به منزله یکی از زمینه‌های ممنوعیت نژادپرستی و تبعیض نژادی می‌باشد.^{۴۲}

در سطح بین‌المللی گرایشهای نژادپرستانه، نژادپرستی، تبعیض نژادی و تنفر از خارجیان در کلیه اسناد محکوم شده است و تلاشهای زیادی در ارتباط با ممنوعیت و یا محو آن صورت گرفته، به نوعی که هم اکنون حذف تبعیض نژادی به یک نگرانی مشترک بشریت تبدیل شده است و اسناد و مقاله‌نامه‌ها و معاهدات متعددی در زمینه ممنوعیت و مبارزه با آن به تصویب رسیده است. مقاله‌نامه مجازات جنایت نسل‌کشی، مقاله‌نامه بین‌المللی سرکوب و مجازات جنایت آپارتاید و کنوانسیون ممنوعیت تبعیض نژادی، تعیین یک رابط ویژه برای یک دوره سه‌ساله از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد اشکال معاصر نژادپرستی، تبعیض نژادی و دشمنی با خارجیان و نبردهای زیربطنی و... از آن قبیل هستند. کمیته تبعیض نژادی که مکانیسم معاهداتی کنوانسیون ممنوعیت تبعیض نژادی است ضمن اشاره به تفاوت‌های مذهبی عنوان می‌کند: مذاهب

^{۴۲} جانوس سیمونیدوس، *حقوق بشر: ابعاد نوین و چالشها*، ترجمه محمدعلی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۶۳.

می‌توانند در یک تحول تاریخی به عنوان عامل انسجام برای ترویج و حفظ هویت خاص یک جمعیت عمل نمایند.^{۴۳}

آنچه در بحث ما اهمیت دارد انجام اقدامات و یا عملکردهایی است که در واقع موجب ترویج روحیه نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی و یا دامن زدن به اختلافات فرهنگی و اعتقادی می‌شود. کنوانسیون بین‌المللی ممنوعیت تبعیض نژادی نه تنها اقدامات با انگیزه نژادی و یا اقدامات هماهنگ با آن را محکوم می‌کند بلکه اقداماتی که چنین آثاری را داشته باشد نیز ممنوع می‌نماید.^{۴۴} چنانکه در فوق آمده است اقداماتی نیز که دارای آثار نژادپرستانه باشند باید توسط دولت ممنوع شده و محکوم شود.

همینطور تعهدات سلبی و ایجابی دولت‌ها در ارتباط با ممنوعیت تبعیض نژادی نیز قابل توجه است، مانند ممنوعیت اقدامات تبعیض آمیز توسط دولت و وظیفه دولت در زمینه حمایت از افراد و سازمانهای غیردولتی در برابر رفتارهای تبعیض آمیز.^{۴۵} به علاوه قطعنامه شماره ۱۵۱۰ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی تمامی اشکال و عملکردهای نژادی، مذهبی و تنفر ملی در مورد حوزه‌های سیاسی، تربیتی و فرهنگی زندگی اجتماعی را به عنوان نقض منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر محکوم نموده است.^{۴۶}

همچنین آزادی بیان با مفهوم تساهل و بردباری و تلاش برای محور روحیه تبعیض ارتباط مستقیمی دارد. اساساً افزایش تنشهای قومی و قبیله‌ای، بروز جنگهای داخلی، گسترش و تشدید بنیادگرایی و... همه از عوامل ظهور نابردباری‌اند که در سالهای اخیر شکل‌های جدیدی نیز به خود گرفته است. برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی از تمامی دولت‌ها خواست تا قوانین تبعیض آمیزی را که در استمرار تبعیض نژادی و نابردباری مذهبی نقش دارند ملغی کنند و اقدامات مقتضی را برای مبارزه با اینگونه نابردباریها و

⁴³ Commission on Human Rights, Res, 1994/64. March, Report of the Special Reporter, E/CN.4/1995/78, para. 3.

⁴⁴ اگرچه سردبیر روزنامه یولاند پوستن هرگونه انگیزه قبیله‌ای برای اهانت به دین اسلام و پیامبر اکرم را رد کرد اما نمی‌توان از آثار اقدام این روزنامه برای ترویج نژادپرستی یا بیگانه‌ستیزی چشم پوشید.

⁴⁵ جانوس سیمونیدوس، پیشین، صص ۷-۴۲.

⁴⁶ Res. 1993/20, 20 March, 1993.

تعصبات صورت دهند. سپس در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۸۱ اعلامیه نابدباری مذهبی به تصویب مجمع عمومی رسید. اعلامیه فوق از یک مقدمه و ۸ ماده تشکیل شده و به اصول مربوط به حقوق و آزادیهای مذهبی محتوای خاصی می‌دهد.^{۴۷}

اساساً تلاش برای تبلیغ بردباری و گسترش آن که لازمه رشد تمدن، دموکراسی و حقوق بشر است، به‌طور رسمی از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه سازمان ملل قرار گرفت. چنانکه قطعنامه‌های مجمع عمومی (قطعنامه ۱۲۶/۴۸ مصوب ۳۰ دسامبر ۱۹۹۳ و قطعنامه ۲۱۳/۴۹ در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴) سال ۱۹۹۵ را سال بردباری اعلام کردند. کنفرانس عمومی یونسکو با قطعنامه‌های ۲۶C/۵/۱۴ در ۳ نوامبر ۱۹۹۱ و ۲۷C/۵/۱۴ در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۳ مهمترین گامهای سازمان ملل در این زمینه محسوب می‌شوند. اعلامیه نابدباری در ۱۴ می ۱۹۸۱ و بیانیه و طرح اقدام در مبارزه با نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی و نابدباری در ۹-۸ نوامبر ۱۹۹۳ که یک کمیسیون اروپایی برای مقابله با نژادپرستی و نابدباری تأسیس کرد به عنوان پایه‌های اولیه ابتکار سازمان ملل محسوب می‌شوند.^{۴۸}

در واقع بردباری در ساده‌ترین و اساسی‌ترین شکل آن بر شناخت حقوق دیگران و احترام گذاردن به آنها به خاطر شخصیت و هویتشان مبتنی است. ارزشهای اجتماعی و سیاسی نوین که هنجارهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از آنها نشأت گرفته‌اند در ابتدا به واسطه نیاز به بردباری به عنوان اساسی‌ترین شرط حفظ نظم اجتماعی تحت قاعده در آمده‌اند. ضمن اینکه بردباری پیش شرط برقراری صلح نیز هست. در مقدمه منشور ملل متحد آمده است: مردمان ملل متحد بردباری پیشه می‌کنند و در کنار یکدیگر با صلح زندگی می‌کنند. ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در پاراگراف دوم اعلام می‌دارد: ...باید تفاهم و بردباری و دوستی میان تمامی ملتها و گروههای نژادی یا مذهبی ارتقاء یابد. ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی هنگامیکه به آزادی بیان می‌پردازد، تبلیغ برای

^{۴۷} اعلامیه امحای همه اشکال نابدباری و تبعیض مذهبی، مصوب مجمع عمومی، قطعنامه ۳۶/۵۶، ۲۵ نوامبر

۱۹۸۱.

^{۴۸} کلادیو زانی، «حقوق بشر و بردباری»، در: جانوس سیمونیدوس، پیشین، ص ۶۲.

جنگ، دعوت به کینه و تنفر ملی و نژادی یا مذهبی را ممنوع اعلام می‌کند در واقع ذکر این ماده نشان از اهمیت آزادی بیان در اشاعه فرهنگ بردباری و یا جلوگیری از ترویج روحیه نژادپرستانه است. در میان قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی اعلامیه رفع تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده مصوب ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ (قطعنامه ۳۶/۵۶) یک سند پایه محسوب می‌شود. نکته مهمتر اینکه به دلیل اهمیت موضوع در سطح منطقه‌ای نیز تلاشهایی برای تصویب اسناد و معاهدات در جهت ترویج بردباری و روحیه تساهل صورت گرفته است. به طور مثال در اروپا توصیه‌نامه ۱۲۰۲ شورای اروپا در سال ۱۹۹۳ در مورد بردباری مذهبی در یک جامعه دموکراتیک و توصیه‌نامه ۱۲۲۲ سال ۱۹۹۳ در مبارزه با نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی و نابردباری، اعلامیه نابردباری به منزله تهدیدی علیه دموکراسی مصوب سال ۱۹۸۱، قطعنامه شورای وزیران ۶۸/۳۰ در مورد اقدامات لازم علیه تحریک کینه‌های ملی و مذهبی از جمله این اقدامات است که می‌توان نام برد^{۴۹}. به طور کلی نظر به اهمیت موضوع در این منطقه اقدامات سازماندهی شده‌ای برای امحای نابردباری و در نتیجه ترویج اندیشه‌های نژادپرستانه یا بیگانه‌ستیزی نسبت به سایر مناطق انجام گرفته است و در همه اسناد و مصوبات آن دستیابی به ارزشهای مشترک همچون صلح و دموکراسی، همبستگی و حقوق بشر به عنوان نتیجه و بازتولید بردباری و تساهل و جلوگیری از کینه‌ورزی ملی، نژادی یا مذهبی مورد توجه قرار گرفته است.

در هر حال آزادی بیان نه یک حق فردی، که حقی اجتماعی است و علاوه بر شرط احترام به حقوق، حیثیت و آبروی دیگران و یا نظم عمومی و اخلاقیات، سلامت عمومی با ممنوعیت اشاعه تبعیض یا تنفر نژادی، مذهبی، قومی و... همراه است. علاوه بر اینکه نقض همه این شروط و یا یکی از آنها منجر به افزایش تنش و درگیری و در خطر افتادن صلح و امنیت جامعه بشری است. اهانت به اعتقادات مذهبی یک گروه یا جمعیت نقض این اصول مهم سازمان ملل و اقدامی غیرمستقیم در جهت ترغیب به کینه و تنفر است. ضمن اینکه بردباری را به عنوان عنصر مهم همه جوامع دموکراتیک و پیش شرط اساسی

⁴⁹ General Assembly Resolution, 36/56, 1981.

احترام به حقوق بشر همه افراد متزلزل می‌سازد. همچنین از آن جا که نابردباری متضمن «عمل یا ترک عملی» است که جدای از انگیزه آن جرم یا نقض حقوق بشر محسوب می‌شود^{۵۰}. لذا نمی‌توان تنها اعمال با انگیزه قبلی و یا برخی رفتارهای خاص را به عنوان مصادیق تبعیض نژادی و یا نابردباری ذکر کرد. به نظر می‌رسد آنچه در مقوله نابردباری و تبعیض مهم است نتیجه و آثار یک رفتار یا عملکرد در ترویج تنفر نژادی یا ملی و مذهبی یا جلوگیری از گسترش آن باشد.

۵ - آزادی بیان و آزادی فکر، وجدان و مذهب

آزادی بیان با حق بشری آزادی فکر، عقیده، وجدان و مذهب بویژه حق بر داشتن یا تغییر مذهب و عقیده که یک حق بنیادین و غیرقابل تعلیق است، نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. این حق یکی از جنبه‌های بنیادین یک جامعه دموکراتیک و پیوستگی آن با احترام به ذات و کرامت شخص انسانی است. اهمیت این حق نه صرفاً به عنوان یکی از مصادیق محرز حقوق بشر که به دلیل نقش آن در ایجاد نزدیکی میان فرهنگها و تمدنهای مختلف انسانی و در واقع گفتگوی بین فرهنگی است. به تعبیری مذاهب جهانی در طول قرنهای متمادی نشان داده‌اند که قادرند هویت مشترکی را ایجاد کنند که حداقل می‌تواند از مرزهای قومی، ملی، جغرافیایی و حتی نژادی گذر کند^{۵۱}.

برخی اعتقاد دارند که الهامات و عقاید مذهبی نه فقط به حقوق بشر اعتبار می‌دهد بلکه به ترویج آن نیز می‌پردازد^{۵۲}. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد که: هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین مستلزم برخورداری از آزادی اظهار عقیده و ایمان است و شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم مذهبی نیز می‌شود. هر کس می‌تواند از این حقوق به‌طور

⁵⁰ Donna J. Sullivan, "Advancing the Freedom of Religion", *American Journal of International Law*, 1988, vol. 82, p. 52.

⁵¹ Robert Thruman, Foreward, *The United Nations and the World Religions; Prospects for Global Ethic*, Cambridge; Boston Researcher for the 21st century, 1995.

⁵² Lowell W. Livezy, "US, Religious Organizations and the International Human Rights Movement", *Human Rights Quarterly*, vol. 11, no. 1, 1998, pp. 14-81.

خصوصی و عمومی برخوردار شود.

در ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده است: هرکس آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی خواه به طور فردی یا جمعی، علنی یا در خفا می‌باشد. سپس در بند ۲ می‌افزاید: هیچکس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود لطمه وارد آورد. ماده ۴ میثاق هم این بند را در دایره حقوق غیرقابل انحراف قرار می‌دهد.

در ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نظیر همین عبارت‌پردازی در مورد آزادی فکر، وجدان و مذهب درج شده است. به علاوه ماده ۱۴ همین کنوانسیون می‌افزاید: برخورداری از حقوق و آزادی‌های تنظیم شده در کنوانسیون باید بدون تبعیض مبتنی بر جنس، نژاد، رنگ، زبان، مذهب و عقیده سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، تولد، مالکیت، قومیت یا سایر وضعیت‌ها اعمال گردد.

ماده ۲ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق والدین در آموزش و پرورش فرزندان مطابق با اعتقادات و مبانی فلسفی شان اشاره می‌کند. در ماده ۱۰ کنوانسیون نیز در مبحث آزادی بیان، آزادی اظهار عقیده به عنوان یکی از جلوه‌های آزادی بیان شناخته شده است.

آنچه در بحث ما اهمیت دارد دو نکته است. نکته اول اینکه آزادی داشتن یا تغییر فکر، وجدان و یا مذهب یک حق بنیادین غیرقابل انحراف بر اساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز عرف و رویه بین‌المللی شناخته شده است. حقی که هم توسط دولت و هم افراد باید مورد حمایت قرار بگیرد. در واقع خصیصه بنیادین بودن این حق باعث شده انجام اقدامات سلبی و ایجابی در جهت حمایت از آن از سوی دولتها مورد مطالبه بوده و این حق موضوع اعمال محدودیت و یا مداخله قرار نگیرد.

نکته دوم اظهار عقیده، مذهب و ایمان است که در واقع با آزادی بیان همسانی و تشابه می‌یابد. چنانکه بند ۲ ماده ۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی آزادی اظهار مذهب یا عقیده را

مشمول محدودیتهای قانونی در یک جامعه دموکراتیک دانسته است. در واقع آنچه به آزادی بیان و حق بر آزادی مذهب و عقیده مرتبط است، ضرورت احترام به عقاید، آراء و افکار سایر افراد جامعه بر این اساس است. هر فردی حق داشتن و یا تغییر هر فکر و عقیده‌ای را دارد. حقی که با ذات انسانی وی در هم تنیده است و هیچ بیانی نمی‌تواند ابزاری برای نقض آن یا هتک حرمت و حیثیت افراد بر اساس عقاید آنها قرار بگیرد. در مقدمه کنوانسیون حمایت از اقلیتهای مذهبی درج شده است: نقش دولت تضمین شریعی است که طی آن افراد بتوانند حقوق خود را اجرا کنند. سپس کنوانسیون فوق می‌افزاید: تکررگرایی و دوام یک جامعه دموکراتیک نه فقط مستلزم احترام به هویت زبانی، مذهبی، فرهنگی و نژادی هر شخص متعلق به یک اقلیت مذهبی است بلکه همینطور فراهم کردن شرایط مناسب برای توانمند ساختن آنها به بیان، حفظ و توسعه این حق را نیز می‌طلبد. همین متن پیشنهاد می‌کند که دولت نه تنها متعهد است تا حقوق اقلیتهای را در برابر صدمه و آسیب حفظ کند بلکه باید شرایطی را فراهم سازد تا افراد بتوانند جنبه‌هایی از هویت مذهبی خود را بیان کنند.

بنابراین آزادی بیان نمی‌تواند شرایطی را برای اعمال فشار و زور و یا در خطر قرار دادن حیثیت، آبرو و حق آزادی مذهب سایر افراد به وجود آورد.

۶- آزادی بیان در رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر

تا به امروز دیوان اروپایی حقوق بشر در استراسبورگ به‌طور مرتب ممنوعیت نقض تعهدات مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به دولتها گوشزد کرده است. دولتها در عکس‌العمل به آراء دیوان رویه‌های پلیسی، نهادهای کیفری، رویه‌های قضائی و قوانین خود را اصلاح کرده‌اند. دیوان در واقع یک سیستم مؤثر و کارآمد بین‌المللی تنظیم برخی از موضوعات حساس است که قبلاً در چارچوب قلمرو انحصاری حاکمیت ملی در نظر گرفته می‌شد. اگرچه دیوان دولتها را ملزم نمی‌کند تا کنوانسیون را در چارچوب قوانین ملی خود بگنجانند، اما آثار اجرای آراء دیوان می‌تواند از لحاظ تأثیرگذاری به عنوان

قانون اساسی یا عادی متفاوت باشد.^{۵۳}

ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق آزادی بیان افراد را مورد حمایت قرار می‌دهد. حمایت از بیان طبق این ماده نه تنها بیان شفاهی و مکتوب را در بر می‌گیرد که سایر اشکال بیان مانند عکس، صفحات وب بر روی اینترنت و ویدئو و رفتار را نیز در خود جای می‌دهد. اما در بند ۲ ماده ۱۰ محدودیتهایی بر این آزادی اعمال شده است که دیوان اروپایی حقوق بشر در مقام ناظر و تفسیر کننده (طبق ماده ۳۳ کنوانسیون) به تشریح آنها پرداخته است. ذکر آراء دیوان در این بخش با توجه به نقش و اهمیت رویه قضائی در تبیین حقوق بشر و معنا بخشیدن به برخی از اصطلاحات و مفاهیم کلی و انتزاعی آن است. دیوان اروپایی حقوق بشر با بررسی پرونده Handyside به‌طور رسمی اصطلاحات مندرج در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون را مورد تفسیر قرار داد. این پرونده نقطه شروعی برای دیوان بود تا در ارتباط با اهمیت حق بر آزادی بیان اظهار نظر نماید. دیوان اولین بار اظهار داشت: آزادی بیان یکی از مبانی اساسی یک جامعه دموکراتیک و یک شرط بنیادین برای پیشرفت جامعه و توسعه شخصیت هر فرد انسانی است. لذا محدودیتهای مندرج در بند ۲ ماده ۱۰ نه فقط بیان اطلاعات یا عقاید و دریافت آنها را در بر می‌گیرد، بلکه تجلی عینی این اظهارات به صورت بی طرفانه و غیرمتجاوزانه را هم شامل می‌شود. به علاوه از این نظر که اظهار این بیانات به جامعه شوک وارد سازد، به حقوق افراد تجاوز کند و یا دولت و یا هر بخشی از جمعیت جامعه را نابود نماید نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر دیوان همه این موارد مطالباتی هستند که لازمه تکثرگرایی و پلورالیسم در یک جامعه دموکراتیک اند. ضمن اینکه دیوان اضافه می‌کند که هر شرط، محدودیت یا مجازاتی که بر این آزادی و یا

^{۵۳} به‌طور مثال در برخی از کشورها مانند اتریش مواد کنوانسیون مستقیماً در قوانین داخلی درج شده و جایگاه قانون اساسی را دارد و لذا دادگاه قانون اساسی اتریش تصمیمات دیوان استراسبورگ را مستقیماً اجرا می‌کند. در کشورهای بلژیک، فرانسه، هلند و سوئیس بدون درج مواد کنوانسیون در قوانین داخلی یا قانون اساسی، این مواد مستقیماً قابل اجرا هستند. در هر حال کنوانسیون به سند قانون اساسی نظم عمومی اروپا در زمینه حقوق بشر تبدیل شده و دیوان ناظر اجرای کنوانسیون است. برای اطلاع بیشتر نک:

P. Van Dijk & G.J.H. Van Hoog, *Theory and practice of the European Convention on Human Rights*, The Hague, Kluwer Law International, 1988, pp. 11-26.

سوء استفاده از آن اعمال می‌شود، باید متناسب با هدف مشروع مورد تعقیب باشد.^{۵۴}

از سوی دیگر دیوان در همین پرونده اظهار داشت فردی که آزادی بیان خود را اجرا و اعمال می‌کند، وظایف و مسؤولیتهایی بر عهده دارد که به حوزه، فضا و شیوه اعمال حق مرتبط می‌شود. دیوان نمی‌تواند از وظایف و مسؤولیتهای شخص چشم پوشی کند چه بسا که این محدودیتها یا مجازاتها برای حمایت از اخلاقیات که در یک جامعه دموکراتیک ضروری است، صورت گرفته باشد.

در پرونده Handyside آقای ریچارد هندی‌ساید کتابی را با عنوان کتاب مدرسه در سال ۱۹۶۸ نوشته و چاپ کرد که نه تنها در انگلیس بلکه در بلژیک، فنلاند، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، یونان، ایسلند، ایتالیا، نروژ، سوئد و سوئیس هم به چاپ و انتشار رسید. این کتاب سلسله مباحثی پیرامون مسائل جنسی را در خود داشت که به صورتی بی‌پروا، کودکان و نوجوانان را به برقراری رابطه جنسی، همجنس‌گرایی و مسائل مشابه آن توصیه کرده بود. دیوان پس از بحث و بررسیهای فراوان و بعد از مناقشات بسیاری که پیرامون این کتاب و چاپ و انتشار آن برای کودکان طرح شده بود، مداخله دولت انگلیس برای جلوگیری از انتشار آن را اقدامی در جهت حمایت از ارزشهای اخلاقی و ضروری در یک جامعه دموکراتیک دانست.^{۵۵}

به علاوه موضوع دو پرونده *Otto-preminger-institut v. Austria*^{۵۶} و *Wingrove v. United Kingdom*^{۵۷} مربوط به توهین به مقدسات در یک فیلم و رد مجوز نشر یک نوار ویدئویی بود. در اولین پرونده خواهان به حق بیان آزاد خود استناد کرد اما دیوان استدلالهای دولت اتریش را پذیرفت که فیلم احساسات مذهبی بینندگان را خدشه‌دار کرده و تکرار نمود که مذاهب از بیان آزادانه انتقاد نسبت به آنها مبری نیستند، اما روشهای افراطی انتقاد به یک مذهب یا عقیده ممکن است مانع اجرای این حق از سوی دارندگان آن شود.

⁵⁴ Judgment of 7 December 1976, no 24, p. 23.

⁵⁵ *Ibid.*, p. 25.

⁵⁶ 20 September, 1994, no 295 A, para. 48.

⁵⁷ 27 November 1996, Reports, 1996-V, 1937.

در پرونده دوم نیز دیوان حق شهروندان را بر خدشه‌دار نشدن احساسات مذهبی‌شان به رسمیت شناخت. در این پرونده نسبت به نمایش یک فیلم ویدئویی شکایت شده بود که در آن زنی در نقش «ترزا» در مورد حضرت مسیح تصورات اروتیک داشت. به نظر دیوان در این پرونده در اجرای حق آزادی بیان باید از اظهاراتی که با هدف آسیب و آزار تعمدی به مقدسات دیگران صورت گرفته است، خودداری شود. در هر دو پرونده بیان مطروحه موضوعات مذهبی را تصویر کرده بود. دیوان اظهار داشت: این قوانین حمایت از حقوق دیگران بویژه حق بر عدم توهین به احساسات مذهبی افراد را در نظر داشته است. در هر دو پرونده شیوه متجاوزانه بیان نظرات و عقاید در مورد مقدسات مذهبی، دولت‌ها را به مداخله و اقدام بازدارنده واداشته بود و دیوان در این دو مورد اظهار داشت که دولت‌ها تا حدی از صلاحدید برخوردارند.

طبق نظر دیوان ماده ۹ کنوانسیون تعهدی ایجابی را بر دولت‌های عضو جهت حمایت از مؤمنان و معتقدان تحمیل می‌کند. به نظر دیوان حمایت از مؤمنان در برابر تصاویری که با انگیزه قلبی و توهین نسبت به حرمت‌های مذهبی آنان تصویر می‌شود، این تصاویر باید به عنوان نقض بدخواهانه روحیه تساهل و بردباری در یک جامعه دموکراتیک در نظر گرفته شود.

در پرونده Church of X v. UK^{۵۸} دیوان اشاره کرد که آزادی مذهب نه فقط یک حق فردی است بلکه ابعاد اجتماعی نیز دارد. در این پرونده بر حق جمعی اظهار یک مذهب اشاره شد و اینکه دولت وظیفه دارد تا این حق را به‌طور فردی و جمعی تضمین نماید. همچنین استفاده از اصطلاح حقوق دیگران در آراء و پرونده‌های مربوط به حق آزادی بیان از دیگر نشانه‌هایی است که حاکی از محدودیت اجرای این حق از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر دارد.

در پرونده The Market Internverlag and Klaus Beerman^{۵۹} که مربوط به آزادی انتشار موضوعات تجاری بود دیوان صرف‌نظر از محتوای پرونده اظهار داشت که

^{۵۸} Appl.3798/68, Church of X v. The United Kingdom, *Yearbook xxii*, 1979, p. 306.

^{۵۹} Judgment of 20 November 1989, A. 165, p. 20.

الزامات حمایت از حقوق دیگران وزن بیشتری نسبت به انتشار اطلاعات مزبور دارد و یا در پرونده Casadocha در هنگام ارزیابی اینکه آیا مجازات ضروری بوده است، یا خیر؟ منافع حمایت از حقوق دیگران دوباره مدنظر قرار گرفت.

بنابراین روشن است که طبق ماده ۱۰ کنوانسیون (بند ۲) هر فردی که از حق مندرج در پاراگراف اول این ماده بهره می‌برد، در مقابل وظایف و مسؤولیتهایی را نیز بر عهده دارد. اغلب اوقات دیوان به موضوع وظایف و مسؤولیتهای دولتهای عضو و افراد در این باره اشاره کرده است.

همچنین بررسی رویه دیوان در مورد بیان توهین آمیز نیز نشانه دیگری از شرایط محدود کننده اجرای این حق است. دیوان در آراء خود در این زمینه به نقض حقوق بشر گروههای نژادی و ماده ۵ کنوانسیون اشاره می‌کند که انتشار عقاید مبتنی بر برتری نژادی را از سوی دولتها ممنوع و قابل مجازات می‌داند و سازمانها و گروهها را از ترویج و گسترش تبعیض نژادی منع می‌کند.

دیوان اروپایی حقوق بشر در دو پرونده بسیار مهم، قوانین محدود کننده بیانات و اظهارات نژادپرستانه را که طبق ماده ۲ تنظیم شده مورد حمایت قرار داده و مطابق با اهداف و اصول کنوانسیون اعلام کرد. در پرونده *Jersild v. Denmark*⁶⁰ تهیه کننده یک برنامه تلویزیونی، سیاه پوستان و برخی از دیگر اقلیتها را مورد تحقیر قرار داده بود و طبق قانون کیفری دانمارک در مورد ممنوعیت انتشار اظهارات و بیانات تحقیر کننده یک گروه از اشخاص بر مبنای نژاد، رنگ، ملیت، گروههای نژادی و یا عقیدتی محکوم شده بود. دیوان در این پرونده اظهار داشت که اهمیت اساسی مبارزه با تبعیض نژادی و هدف و مقصود کنوانسیون ممنوعیت تبعیض نژادی و نژادپرستی نقش بسیار مهمی در تعیین اتهام خوانده و اینکه اقدام وی در چارچوب ماده ۱۰ کنوانسیون بوده یا خیر، دارد.

در پرونده *Lehideux & Isorni v. France*⁶¹ دفاع از اقدامات فیلیپ پاتن رئیس دولت ویشی در طول جنگ جهانی دوم در روزنامه لوموند مورد بحث قرار گرفته بود. در

⁶⁰ 23 September 1994, no. 298.

⁶¹ 23 September 1998, Reports, 1998-VII 2864.

این پرونده نیز دیوان اشاره کرد که کنوانسیون هیچگونه حمایتی را از بیانات متضمن افتخار به نژادپرستی و سیاستهای توتالیتاریسم به عمل نیاورده است.^{۶۲}

در پرونده Handyside دولت انگلستان به هدف حمایت از اخلاق برای اثبات اتهام ناشر کتاب مدرسه و ترویج پورنوگرافی اشاره کرده بود. بنابراین دیوان نیز به مسئولیت خاص ناشر در این مورد اشاره نمود.^{۶۳}

در پرونده Otto-preminger-institut v. Austria که فیلم به دکتربین مذهبی کلیسای کاتولیک توهین کرده بود دولت اتریش هدف خود را حمایت از حقوق دیگران دانست. دیوان نیز نظر مقامات دولت را پذیرفت. در عین حال افزود این هدف به مفهوم اخلاق بسیار نزدیک است. دیوان با اشاره به وظایف و مسؤولیتها اظهار داشت: در چارچوب آزادی بیان تعهدی مشروع مندرج است که طی آن از بیاناتی که به دیگران تجاوز می‌کند و تخطی از حقوق آنهاست باید دور شود. این اظهارات هیچ نقش و سهمی در پیشرفت امور انسانی ندارند.^{۶۴}

اگرچه برخی اعتقاد دارند که اشاره دیوان به وظایف و مسؤولیتها ذیل این حق در واقع منتهی به اعمال یک حاشیه صلاحدید وسیع از ماده ۱۰ کنوانسیون می‌شود. ضمن اینکه مفهوم اخلاقیات نیز خود بر گسترده‌تر شدن حیطه مداخله دولتها خواهد افزود.^{۶۵}

برای تبیین بیشتر موضوع توجه به برخی از آراء دیوان در پرونده‌های مربوط به آزادی مذهب و عقیده نیز بیشتر می‌تواند ما را در فهم مطلب یاری برساند. به‌طور کلی دیوان اروپایی حقوق بشر صراحتاً اعلام کرده است که آزادی مذهب و عقیده یکی از حقوق مهم کنوانسیون است و همینطور که در ماده ۹ درج شده، یکی از زیربناهای یک جامعه دموکراتیک است به علاوه یک دارایی گرانبها برای معتقدان به مذهب و تکررگرایی در داخل یک جامعه است.

اهمیت این حق تا حدی است که دیوان در برخی از پرونده‌های خود به تعهدات

⁶² 23 September 1998, Reports, 1998-VII 2864.

⁶³ Judgment of December 1976, A. 24, p. 23.

⁶⁴ Judgment of 20 September 1994, A. 295-A, p. 19.

⁶⁵ P. Van Dijk & G.J.H. Van Hoof, *op. cit.*, p. 578.

ایجابی دولتها برای حفظ آن اشاره کرده است. طی این تفاسیر دولت برای ایجاد شرایطی که در آن افراد بتوانند آزادانه حق آزادی مذهب یا عقیده خود را اعمال کنند، تعهد ایجابی دارد. به طور مثال در پرونده یک Sientologist کمیسیون در کنار اظهار نظر پیرامون خصایص یک مذهب یا عقیده اظهار داشت: اگر تحریک علیه یک مذهب شدید باشد، مسئولیت دولت برای جلوگیری از بروز این تحریکات طرح می شود.

بنابراین در باب اعمال و اجرای حق بر آزادی بیان برخی از نظرات دیوان اروپایی حقوق بشر می تواند تا حدی روشن کننده و راهنما باشد. توهین و اهانت به مقدسات افراد مسئولیت آور است علاوه بر اینکه نقض بدخواهانه روحیه تساهل و بردباری نیز محسوب می شود. از سوی دیگر دیوان تلاش می کند تا ممنوعیت تبعیض نژادی و نژادپرستی را هم در آراء خود در نظر داشته باشد و در همه موارد بر مسئولیت اولیه دولت و سپس افراد بر ممنوعیت بیان نظرات تحقیر آمیز و نژادپرستانه در مورد سایر افراد، گروهها و مذاهب دیگر تأکید می کند.

نتیجه

تمام حقوق بشر به طور تنگاتنگی با هم مرتبط، تفکیک ناپذیر و به هم پیوسته است و چارچوب حقوقی جامعی برای ایجاد یک فضای فرهنگی جهت خلق صلح پایدار، دموکراتیک کردن روابط ملی و بین المللی و رفاه انسانی را به وجود می آورند.

از یکسو وابستگی نزدیکی میان حقوق بشر و دموکراسی وجود دارد. به این معنا که احترام به حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن در کانون و قلب یک سیستم دموکراتیک قرار دارد و آزادی بیان محوری برای خط سیر دموکراتیک صلح آمیز و تحقق فرهنگ صلح است.^{۶۶}

از سوی دیگر میان توسعه و برقراری صلح ارتباط مؤثری وجود دارد. چنانکه مقدمه اعلامیه حق توسعه در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی بر رابطه میان توسعه و صلح در ملت‌های

⁶⁶ Mark Thee, "Towards a Culture of Peace Based on Human Rights", *International Journal of Human Rights*, vol. 1, no. 4, Winter 1997, p. 20.

جهان تأکید می‌کند و خاطر نشان می‌سازد صلح بین‌المللی و امنیت عناصر اساسی و اصلی برای تحقق حق بر توسعه‌اند. ضمن اینکه بردباری و مدارا از لوازم اصلی تحقق حقوق و آزادیهای فردی در هر جامعه‌ای است.

واقعه اخیر نشان داد که اگرچه حق بر آزادی بیان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، اما اعمال و اجرای آن با حدود و ثغوری همراه است که در واقع زیربنای آن را گفتگو، بردباری و زیست مسالمت‌آمیز آحاد افراد انسانی در جامعه بین‌المللی تشکیل می‌دهد. به‌طور کلی فلسفه احترام به حقوق بشر متضمن دستیابی به اهداف عالی حفظ صلح و امنیت ملی و بین‌المللی، احترام به آزادی دیگر افراد و وابستگیهای متقابل انسانی و از همه مهمتر ارتباط مستقیم و معنادار همه مصادیق حقوق بشر با یکدیگر است و برقراری دموکراسی و حاکمیت مطلوب با رعایت موازین و ارزشهای حقوق بشری مستلزم ایجاد تعادل میان حقوق فردی و اجتماعی و ایجاد موازنه میان حق فرد در برابر سایر افراد و کل جامعه است.

اقدام روزنامه دانمارکی یولاند پستن در چاپ و انتشار ۱۲ کاریکاتور توهین‌آمیز درباره پیامبر اسلام (ص) در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۵، و چاپ مجدد آنها توسط دیگر روزنامه‌ها و نشریات اروپایی و نیز پخش فیلم ویدئویی این تصاویر موهن از تلویزیون دانمارک در اکتبر ۲۰۰۶ علاوه بر اینکه می‌تواند سوء استفاده از اعمال حق بر آزادی بیان تلقی شود، مصداق روشنی از بیان اهانت‌آمیز و اقدام در جهت ترویج روحیه نژادپرستی و مبتنی بر تبعیض و نابردباری نیز هست. نکته جالب این است که این اقدام در منطقه اروپا انجام گرفته جایی که بیشترین تلاشها برای مبارزه با نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی صورت گرفته است. به علاوه اغلب کشورهای اروپایی در حقوق داخلی خود قوانینی را برای ممنوعیت تحقیر و توهین به مذاهب خاص مانند مسیحیت دارند. بنابراین هنگامیکه بیان نظرات و عقایدی در جهت انکار تراژدی هولوکاست و یا کشتار یهودیان در چارچوب یهودستیزی و یا نژادپرستی مورد مجازات قرار می‌گیرد، توهین به مسلمانان نیز از این قالبهای حقوقی مستثنا نخواهد بود. یکی از موارد عدیده در این مورد محکومیت دیوید ایروینگ انگلیسی در دادگاه کشور اتریش در ۲۰ فوریه ۲۰۰۶ به اتهام نقض قانون ۱۹۴۶ است. طبق این قانون

هر اقدامی در جهت انکار کشتار جمعی یهودیان در کوره‌های آدم‌سوزی توسط نازی‌ها جرم تلقی شد و دادگاه کشور اتریش دیوید ایروینگ را به ۳ سال حبس به دلیل ابراز بیاناتی در نفی هولوکاست محکوم کرد.

همانطور که در آراء دیوان اروپایی حقوق بشر نیز مشاهده شد، دیوان مسئولیت افراد را ذیل آزادی بیان مفروض دانسته است و در مورد توهین به عقاید و آراء مذهبی نیز نظرات سختگیرانه‌ای اظهار داشته است. از آنجایی که دیوان جایگاه قابل توجهی در میان اتحادیه اروپا یافته است و تفاسیر دیوان از کنوانسیون در قوانین داخلی کشورهای عضو وارد می‌شود، بنابراین نظرات دیوان در مورد آزادی بیان، حدود و ثغور آن و یا ممنوعیت توهین به ادیان می‌تواند راهنمایی برای این کشورها در مورد احترام به سایر ادیان در کنار رعایت حقوقی همچون آزادی بیان باشد.

اگر چاپ و نمایش کاریکاتورهای توهین‌آمیز نسبت به دین اسلام در چنین چارچوبی از نظر دولتهای اروپایی مورد ارزیابی قرار نگیرد، پس استدلال وجود استانداردهای دوگانه در حوزه حقوق بشر و در داخل کشورهای اروپایی می‌تواند تا حدی درست و قابل توجیه به نظر برسد.

از سوی دیگر واکنشهایی که نسبت به این اقدام از سوی افراد و گروههای مسلمان صورت گرفت در اغلب موارد با خشونت، آشوب و درگیری همراه بود. علیرغم اینکه جلوگیری از بروز این آشوبها و تخریب اموال سفارتخانه‌های دانمارک در کشورهای مسلمان از سوی این دولتها برای احترام به حق آزادی بیان، حمایت از زندگی و اموال دیگر افراد در برابر تهدید و ارباب، وظیفه مسلم آنهاست، اما بیان متجاوزانه و اهانت‌آمیز منجر به این آشوبها و درگیریها نیز می‌تواند در چارچوب حفظ سلامت و نظم عمومی مورد نظارت و اعمال محدودیت قرار بگیرد.

بنابراین همه دولتهای عضو جامعه بین‌المللی موظفند تا از بیان متجاوزانه نسبت به عقاید مذهبی در جهت ایفای وظیفه ایجابی خود به منظور حمایت از آنها و جلوگیری از رویه‌های نژادپرستانه و مبتنی بر تبعیض اقدامات مناسب به عمل آورند. ضمن اینکه تلاش کنند تا با اقدامات سلبی و ایجابی شرایط لازم برای تحقق صلح و دموکراسی و بردباری

جامعه داخلی و بین‌المللی فراهم شود. در این راستا دولتهای ذیربط در برابر ارتکاب این عمل بر اساس موازین پذیرفته شده بین‌المللی مسؤولیت اتخاذ اقدامات مناسب از جمله ممنوعیت چاپ و تکثیر دوباره این تصاویر را بر عهده دارند کما اینکه مسؤولیت برخورد با اقدامات انجام پذیرفته نیز به جای خود باقی است.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. V, NO. 2

2006-2

Articles

- UN Security Council Practice in Iran's Nuclear Case
- Defining Genocide in the Light of ICTY and ICTR Decisions
- Endowment of Company's Shares
- Freedom of Expression and Violation of Respect for Religions and Prophets in the Europe from Human Rights Perspective
- Smuggling of Goods and Currency in the Iranian Penal Law
- Jurisdiction and Sentences in Iraqi High Criminal Court

Special Issue: Tax Law in Iran and Other Countries

- Value Added Tax (VAT) and Tax Fairness
- Avoidance of Double Taxation in Iranian Law
- Tax Procedure in Iran
- Tax Regulations in Energy Charter Treaty and Legal Effects of Iran's Accession
- Offences in the Matter of Taxation in French Law

Critique and Presentation

- Supreme Court Judgment on Wife Requisition for a Divorce Because of Husband Remarriage
- The UN Security Council Resolution 1701 (2006) from International Law Perspective



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study